

به اسم اوکراین چه عملیاتی انجام دادند؟

پیام‌های شوک روسی



سیدمهدی طالبی، یوزدهشکر حوزه بین‌الملل

جهان در بهت و روسیه در شوک است؛ روس‌ها بدون آنکه متوجه‌شوند، ناگهان بمب افکن‌های راهبردی خود را در آتش دیدند.

اوکراین ادعا کرده در جریان عملیات روز یکشنبه (۱۱ خرداد ۱۴۰۴، اول ژوئن ۲۰۲۵)، ۴۰ بمب‌افکن سنگین روسیه را که در حملات به عمق خاکشان مشارکت داشتند، نابود کرده است.

حرکتی که رخ داده، قابل قیاس با مقاطع تاریخی مانند ۱۹۰۵، ۱۹۴۱ و ۱۹۶۷ است؛ سال‌هایی که تحولات نظامی عمده و تعیین‌کننده‌ای در آن‌ها رخ داد. این تحولات نیز همه مبتنی بر نابودی سلاح‌های مهم دشمن به شکل ناگهانی، سریع و در بازه زمانی چندساعته بودند.

این واقعه به دلیل عیان بودن تبعاتش به سرعت تبدیل به درس شده است. از همان لحظه اول و با انتشار اطلاعات اولیه، به جای انتظار برای رسیدن جزئیات بیشتر و بررسی‌های کامل‌تر، قلم‌ها به سمت یافتن درس از عملیات روز یکشنبه رفتند.

طی سال‌های اخیر، این دومین در نوع خود به شمار می‌رود. تابستان سال گذشته، رژیم صهیونیستی با منفجر کردن هزاران دستگاه ارتباطی «پیجر» باعث خارج شدن اعضای مهم مقاومت لبنان از چرخه جنگ شد.

نکات

واقعه روز یکشنبه، درس‌ها و نکات زیادی در خود دارد که برای کشف و بررسی آن‌ها، زمان لازم است. با این حال برخی از کلیات قابل تشخیص زودهنگام هستند. در ادامه به برخی از این نکات اشاره شده است.

۱- ترمیم موازنه متعارف با اقدامات غیر متعارف

فرمانده نیروی زمینی اوکراین در همان روز حمله به بمب‌افکن‌های راهبردی روسیه، به دلیل متحمل شدن خسارات در عملیات روس‌ها، از سمت خود استعفا داد. این مسئله نشان می‌دهد عملیات روس‌ها واجد ویژگی‌ها و نتایج خاصی بوده که عملیات علیه بمب‌افکن‌ها را ضروری ساخت.

«ژنرال میخایلوس دراپاتی» فرمانده نیروی زمینی اوکراین که از نوامبر سال گذشته به این مسئولیت رسیده بود پس از استعفا در صفحه فیسبوک خود نوشت: «این یک اقدام آگاهانه است و به دلیل احساس مسئولیت شخصی من که منجر به کشته شدن سربازان اوکراینی شد، انجام می‌شود.»

فتوحات جدید روس‌ها در تصرف چند نقطه مهم در خاک اوکراین طی هفته‌های اخیر و پاکسازی کورسک در خاک خود روسیه از دست نیروهای اوکراینی نشان‌دهنده برتری حاصل شده نظامی روس‌هاست.

بر همین اساس، باید حمله علیه بالگرد پوتین در کورسک و حمله به بمب‌افکن‌های راهبردی روسیه را که اقداماتی نامتعارف بودند، هشدار برای برقراری توازن دانست. به طور معمول، دولت‌هایی که توانمندی متعارف ضعیفی در برابر دشمن دارند، مانند کره شمالی در برابر آمریکا یا کوبا در برابر هند، سعی می‌کنند با استفاده از سلاح‌های نامتعارف، توازن میان خود و قدرت بزرگتر را متعادل کنند.

تلاش برای ترور پوتین و حمله امنیتی به بمب‌افکن‌های راهبردی روسیه که هردو اقداماتی نامتعارف بودند را باید تلاشی برای برقراری موازنه دانست.

۲- عملیاتی مشترک با غرب

عملیات نمی‌تواند صرفاً فاکر اوکراینی‌ها باشد. سیستم اطلاعاتی اوکراین به دلیل مواجهه با روسیه در حوزه‌های قدرت، تجربه و خلاقیت پیشرفت‌های غیرقابل‌باوری داشته اما این رشد به میزانی نبوده که بتواند اینگونه روسیه را به چالش بکشد.

درخصوص دخالت متحدان اوکراین در عملیات شواهد آشکاری وجود ندارد اما پایگاه خبری آمریکایی آکسیوس در این باره به نقل از یک مقام اوکراینی نوشت کی‌یف از قبل دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا را از این حمله مطلع کرده بود؛ و این وجود آکسیوس پس از مدت کوتاهی خبر خود را تغییر داد و ادعا کرد واشنگتن اطلاعی از عملیات نداشته است. شبکه سی‌بی‌سی نیز این ادعا را تکرار کرده است.

با این حال شواهد غیرآشکار حکایت از مشارکت و اطلاع آمریکادرنه. سیستم اطلاعاتی آمریکا در داخل روسیه و اوکراین فعال است، از تحولات کسب خبر می‌کند و نسبت به روندها تحلیل دارد؛ عقب ماندن این سیستم

از تحولات آن‌هم در شرایطی که در هماهنگی با شرکا عمل می‌کند، غیر قابل باور است. از سوی دیگر دست زدن اوکراین به اقدامی که می‌تواند باعث تشدید گسترده جنگ شود، بدون اطلاع آمریکا می‌تواند خشم واشنگتن را برانگیزد. این شواهد نشان می‌دهند، واشنگتن نه تنها از عملیات اطلاع یافته، بلکه این اطلاع به شکل ارادی در اختیار طرف آمریکایی قرار گرفته است.

۳- تغییر تصویری که از طرف برتر مذاکرات و آتش‌بس به وجود آمده بود

تابه امروز تصویر از مذاکرات آتش‌بس با صلح میان روسیه و اوکراین، پیروزی مسکو بود. دیدگاه‌های عمومی بر این منطق استوار بود که آمریکا با روی کارآمدن ترامپ خستگی خود از خرج صدها میلیارد دلار پول و سلاح در جنگ را نشان داده و با فشارهای او به کی‌یف و تحقیر رئیس‌جمهور این کشور برای وادار کردنش به صلح، جناح غرب در جنگ را در جایگاه ضعیف نشانده است.

پس از عملیات روز یکشنبه چه در حین مذاکرات و چه در صورت حاصل شدن نتیجه، دیگر روسیه توسط افکار عمومی و بخشی از نخبگان، طرفی با پیروزی کامل تصور نخواهد شد.

پیش از این، درخواست و تمایل زلنسکی به دیدار با پوتین نیز در همین راستا صورت گرفته بود. به نظر می‌رسید این درخواست مطرح شده تا شکل گرفتن این دیدار، اینگونه نمایانده شود که پوتین به دلیل فرسایش ناشی از جنگ، راه خروج را انتخاب کرده است. رئیس‌جمهور اوکراین پیش از آغاز دور جدید مذاکرات نیز اعلام کرده بود: «مسائل کلیدی تنها در سطح رهبران قابل حل است.»

این اصرار به دیدار میان پوتین و زلنسکی که یک فروکاست وجهه‌ای برای رئیس‌جمهور روسیه به حساب می‌آید، نه تنها تلاشی برای شکست اقتدار او در داخل است، بلکه تهدیدی نیز به شمار می‌رود. تهدید مزبور بر این منباست که در صورت اصرار‌ها و اقدامات بیشتر، پوتین ناچار از حرکتی خواهد شد که با شکستن اقتدارش، او را در داخل کشور خود با مشکل مواجه خواهد ساخت.

۴- نمایش هژمونی آمریکا با شکست دشمن، تهدید رقبا و انقیاد دوستان

طی روزهای اخیر چند تن از مقامات فعلی و سابق آمریکایی در اوکراین حضور داشته‌اند. لیدمنی گراهام از حزب جمهوری خواه و ریچارد بلومنتال از حزب دموکرات که در مجلس سنا عضویت دارند، دو نفر از این مسئولان هستند که در توری مشترک و متمرکز بر قضیه جنگ، ابتدا به اوکراین و سپس به فرانسه رفتند. مواضع این دو، در جریان تور اروپایی‌شان، می‌تواند به رمز گشایی تحولات اخیر کمک کند.

سناتور گراهام که شخصیتی جنگ‌طلب به حساب می‌آید در این سفر گفت: «جهان کارت‌های زیادی برای بازی در برابر پوتین دارد. ما همچنین قصد داریم به چین و هند به دلیل پشتیبانی از ماشین جنگی او ضربه بزنیم. ما شواهد معتبری داریم که پوتین برای تابستان یا اوایل پاییز آماده جنگ بیشتر می‌شود.»

گراهام مسئولی دولتی نیست اما تهدیداتش می‌تواند معتبر و پیامی از سوی آمریکا تلقی شوند. تهدید تلویحی هند به ضربه، آن‌هم در کنار روسیه و چین، حکایت از اهمیت موضعگیری او دارد.

این دو سناتور پس از اوکراین برای رازینی به فرانسه سفر کردند. ریچارد بلومنتال با اشاره به دیدارش با «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «این دیدار یک پیشرفت بود زیرا رئیس‌جمهور جمهوری ماکرون در گفت‌وگوهای خود با ما شفافیت اخلاقی نشان داد. امروز با ۱۰۰ درصد با پیامی که ما به واشنگتن منتقل خواهیم کرد، همسو است.»
در این سفر دو حزبی به اروپا، دو سناتور مشهور و مهم آمریکایی تصویری از هژمونی کشور خود ساختند که مبتنی بر تهدید دشمنان و رقبا شامل روسیه، چین و هند بود. آن‌ها همچنین با اظهار نظر درباره نشان دادن شفافیت اخلاقی توسط مکرون و همراهی همسویی ۱۰۰ درصدی او با واشنگتن، تصویری از دنبالرو ی اروپا از واشنگتن ساختند. در پس زمینه این اظهارنظرها، شکست روسیه طی عملیات یکشنبه نیز، تصویر از هژمونی آمریکا را پررنگ‌تر ساخت.

۵- حذف عمق راهبردی روسیه که ویژگی تاریخی این کشور بود

روسیه اعلام کرده به پنج پایگاه هوایی اش حمله شده اما تنها در مور مانسک و ایرکوتسک به تعدادی از هواگردها آسیب رسیده است. مور مانسک در شمال

غربی روسیه واقع شده و ۲۵۰۰ کیلومتر با اوکراین فاصله دارد. این شهر نقطه‌ای مهم در عمق راهبردی روسیه در شمال به شمار می‌رود. ایرکوتسک نیز از نظر جغرافیایی در میانه روسیه قرار گرفته، اما از نظر عملی، بخشی از عمق راهبردی این کشور در شرق است. فاصله ایرکوتسک از مرز اوکراین ۴۵۰۰ کیلومتر است.

هدف قرار گرفتن عمق راهبردی روسیه در شمال و شرق، همزمان با برداشته شدن محدودیت برد تسلیحاتی غرب برای اوکراین جهت حمله به روسیه با سلاح‌های ساخت این مجموعه، حکایت از زیر ضربه رفتن عمق راهبردی روسیه دارد.

مقامات روس اعلام کرده‌اند این نخستین بار است که حمله‌ای پهبادی در سبیری و وقوع پیوسته است. عمق راهبردی روسیه که از نظر کمی سرزمینی وسیع و از نظر کیفی با آب و هوایی سرد است، بارها دشمنان را گرفتار خود کرده است؛ مشهورترین نمونه‌های تاریخی شکست «ناپلئون بناپارت» فرانسوی و «آدولف هیتلر» آلمانی هستند.

ضربه به عمق راهبردی روسیه با عملیات امنیتی و تهدید آن از طریق ابزارها و مجوزهای نظامی، حاوی این پیام به مسکو است که یکی از مهم‌ترین مزیت‌های خود را از دست داده است.

۶- چاشنی آغاز اعتراضات ساختاری و مدنی علیه پوتین

شکست‌های بزرگ می‌توانند اعتبار سران دولت‌ها را خدشه‌دار کنند. با توجه به اهمیت شخصیت حاکم در روسیه، تضعیف پوتین می‌تواند مسکو را در معرض مخاطرات داخلی و بین‌المللی مهمی قرار دهد.

احتمالاً برخی امیدوارند، عملیاتی مانند عملیات یکشنبه به عنوان چاشنی‌ای برای شروع مخالفت‌ها با پوتین عمل کند. اگر نهادهای امنیتی، مردم یا بخشی از صاحب‌نظران، انتقاد از پوتین را آغاز کنند، این مسئله می‌تواند به تضعیف او منجر شود. همچنین اگر پوتین پیش‌دستی کرده و شروع به اعمال محدودیت در قالب‌های مختلف مانند بررسی دلایل شکست جدید کند، این امر نیز می‌تواند به واکنش منجر شده و رئیس‌جمهور را با فشار روبه‌رو سازد.

۷- ایجاد تلاطم در ساختار روسیه

اعمال فشار بر ساختارها و نهادهای روسیه یکی از پیامدهای عملیات یکشنبه است اما در بواره میزبان این فشار تخمینی وجود ندارد.

دستگاه‌های اطلاعاتی روسیه به دلیل این ناکامی مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ چرا سرویس‌های اطلاعات خارجی موفق به کشف این حرکت نشدند؟ چرا سرویس‌های اطلاعات داخلی در درون کشور ردی از این توطئه نیافتند؟ چرا مسئولان نظامی بخش بزرگی از داشته‌های روسیه را در پایگاه‌هایی معدود گردآورده و همچنان نیز به فشرده‌سازی ادامه داده بودند؟ این نکته از آنجا حائز اهمیت است که همزمان با حمله به بمب‌افکن‌های راهبردی، مقر اصلی زیر دریایی‌های هسته‌ای روسیه که دوسوم از این تسلیحات را در خود جای داده، شاهد انفجار و آتش‌سوزی بوده است.

۸- هدف‌گیری سه‌گانه هسته‌ای روسیه

«سه‌گانه هسته‌ای» به سه شیوه حمل سلاح هسته‌ای مرتبط است؛ نخست، پرتاب از خشکی و به وسیله موشک بالستیک قاره‌پیما و یا موشک‌های کروژ، دوم پرتاب از زیر دریایی‌های هسته‌ای هسلخ به موشک‌های قاره‌پیما و سوم، پرتاب موشک‌های کروژ اتمی از بمب‌افکن‌های راهبردی.

اوکراین در روزهای اخیر، دو مورد را که متکی به تجهیزات بوده، هدف قرار داده است؛ بمب‌افکن‌های راهبردی و زیر دریایی‌های هسته‌ای. در این میان یک نکته دیگر نیز رخ نمی‌ای می‌کند. پرتاب از خشکی به وسیله موشک‌های بالستیک یا کروژ قاره‌پیما، علاوه بر پایگاه‌های ثابت، از طریق وسایل متحرک نیز صورت می‌پذیرد؛ قطارها و کامیون‌های حامل موشک دو حامل در خشکی هستند. نیروهای اوکراینی با منفجر کردن یک پل محل کشیده‌شدن ریل، آن‌هم در هنگام عبور قطار و منفجر کردن یک پل معمولی محل رفت و آمد وسایل نقلیه، نشان دادند می‌توانند بخشی از استراتژی هسته‌ای مرتبط با خشکی روس‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

۹- ضربه در پوشش فریب‌راهبردی که شعارهای ترامپ زمینه‌سازش بودند

هیئت حاکمه آمریکا از ترامپ برای فریب دیگران استفاده می‌کند. خود ترامپ نیز چنین هدفی دارد. شاید هیچ کس فکر نمی‌کرد در

شرایطی که سخن از آتش‌بس است، ضربه‌ای سنگین به روسیه وارد شود؛ به ویژه اینکه وارد آوردن این ضربه بدون مشارکت و اطلاع آمریکا، دور از ذهن است.

۱۰- عصر ضربات سخت با ابزارهای نرم

بمباران ناگهانی و از بین بردن تسلیحات ویژه مانند بمب‌افکن‌ها، جنگنده‌ها و ناوها در تاریخ سابقه دارد؛ جالب آنکه روس‌ها خود اصلی‌ترین ضربه‌خورده از این اتفاقات هستند.

با این حال چنین ضربات نظامی، به وسیله ابزارهای نظامی وارد آمده است. آلمان نازی در هنگام آغاز حمله سراسری به شوروی در سال ۱۹۴۱، به طور ناگهانی فرودگاه‌های آن را بمباران و بخش بزرگی از نیروی هوایی اش را نابود کرد؛ نابودی جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های روسی اما با تسلیحاتی مشابه، یعنی جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های آلمانی صورت گرفتند.

در نبرد سال ۱۹۰۵ میان امپراتوری روسیه و ژاپن، ناوگان بزرگ روس‌ها شامل ناوگان دریای بالتیک، توسط ناوگان دریایی ژاپنی‌ها شکست خوردند. در سال ۱۹۶۷ نیز رژیم صهیونیستی به وسیله جنگنده‌های خود، جنگنده‌های دولت‌های عربی مانند مصر را با بمباران روی زمین نابود کردند. در تمام این تحولات، سلاح‌ها با به کارگیری گسترده سلاح هم‌نوع نابود شده‌اند؛ ناو یا ناو و جنگند به جنگند.

با این حال در عملیات اول ژوئن ۲۰۲۵، سلاح‌های روسیه از طریق اقدامات امنیتی و با سلاحی ناهم‌تراز، نابود شدند.

رونده‌های جهانی نشان می‌دهد، دولت‌ها و گروه‌ها تمایل به استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نرم برای وارد آوردن ضربه حتی ضربات سخت و سنگین دارند.

بر همین اساس، طی جنگ هند و پاکستان نیز دو کشور با وجود بهره‌گیری از جنگند، به دلایل مختلفی به سمت بهره‌گیری از پهبادها حرکت کردند. این دو پس از استفاده اولیه از جنگنده، به سرعت روی به پهبادها آوردند.

پهبادها نه تنها از رازان تر بوده و جان نیروهای خود را به خطر نمی‌اندازند، بلکه استفاده از آن‌ها به میزان استفاده از سلاح‌های سنگین مخاطره‌آمیز نیست. این مسئله را می‌توان از حمله روز یکشنبه نیز دریافت. اگر حمله به وسیله موشک‌های بالستیک و کروژ صورت می‌گرفت، حتی اگر ضایعات کمتری بر جای می‌گذشت، موجب پاسخ سریع و وسیع روس‌ها می‌شد. با این حال اجرای عملیات امنیتی با ابزارهای ساده‌ای مانند ریز پرنده‌ها، باعث شده تا از سرعت تحولات کاسته شود.

۱۱- عصر غافلگیری‌های متعدد و مترکم

در جنگ و رقابت، غافلگیری موضوعی عادی است، اما تراکم آن طی سال‌های اخیر بیشتر شده است. در بستر عملیات طوفان الاقصی به تنهایی چندین غافلگیری توسط بازیگران مختلف شکل گرفته است. عملیات ۷ اکتبر غافلگیرانه انجام‌شده اما این مسئله به آن منصرف نماند؛ ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، عملیات پیچری، ترور فرماندهان و سران مقاومت لبنان، سقوط سوریه تنها طی ۱۱ روز و عملیات‌های وعده صادق توسط ایران بخشی از این تراکم غافلگیری‌ها بودند.

جبهه یمن به عنوان قطعه‌ای از جنگ اما محل اصلی پروژ غافلگیری‌ها بوده است؛ رونمایی از موشکی که با تک شلیک‌ها از لایه‌های پدافندی مشترک غرب و منطقه در طول ۲ هزار کیلومتر عبور می‌کند، حمله به ناوهای هواپیمابر آمریکا و همچنین پیش رفتن تا آستانه ساقط کردن جنگنده نسل پنجم و رادار گریز اف-۳۵، غافلگیری‌های قابل مشاهده در جبهه یمن بوده‌اند. به نظر می‌رسد نبردها وارد عصر غافلگیری‌های متعدد از نظر تعداد صحنه‌های شکل‌گیری شده‌اند؛ از خروج ناگهانی آمریکا از افغانستان تا حمله روسیه به اوکراین و همچنین تحولات رخ داده در درون این تحولات عمده. ویژگی دیگر تراکم این وقایع است. طی نبردهای تابستان و پاییز سال گذشته میان مقاومت لبنان و رژیم صهیونیستی، تل‌آویو عملیات پیچری و سلسله عملیات‌های ترور فرماندهان عالی و سران مقاومت را اجرایی کرد و در مقابل، مقاومت لبنان نیز به خانه «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی حمله کرد و با حمله به مقر نیروهای دریایی و ویژه در منطقه «بنامینا» شگفتی آفرین شد. وقوع این میزان غافلگیری در طی یک جنگ، نشان‌دهنده ویژگی تراکم است.

پیام دکتر علی اکبر ولایتی، دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی به همایش بین‌المللی «امام خمینی^(ع) و مسئله فلسطین»

مقاومت تنها راه نجات است

علی اکبر ولایتی، دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در پیامی به همایش بین‌المللی «امام خمینی (ره) و مسئله فلسطین» با تأکید بر نقش بی‌بدیل بنیانگذار انقلاب اسلامی در تبدیل موضوع فلسطین به آرمانی جهانی، تصریح کرد: «امام خمینی (ره) با تفکیک میان یهودیت و صهیونیسم، پرچم مقاومت را در برابر اشغالگرایی برافراشت و با ابتکارا‌تی مانند روز قدس، وحدت امت اسلامی را در حمایت از مردم فلسطین به صحنه آورد.»
متن کامل این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس خداوندی را که پرچم مقاومت را در قلب امت اسلامی برافراشته است و درودی بی‌پایان بر رسول مکرم اسلام(ص) و خاندان پاکش، به‌ویژه قائد شهیدان، حضرت امام حسین (ع) که درس مبارزه با ظلم را به تاریخ آموخت.

حضار محترم، برادران و خواهران گرامی،

امروز گردهم آمده‌ام تا درباره یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام، یعنی موضوع فلسطین، از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) سخن بگویم. امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، همواره فلسطین را نه‌تنها مسئله‌ای منطقه‌ای، بلکه موضوعی جهانی و انسانی می‌دانستند که نیازمند توجه و اقدام جدی همه مسلمانان و آزادگان جهان است. امام خمینی (ره) با درک توطئه استعمار، میان یهودیان به‌عنوان یک اقلیت دینی محترم و صهیونیسم به‌عنوان جریان‌ی نژادپرست و تجا‌و‌زگر، تفکیک قاطعانه قائل شدند. ایشان می‌فرمودند: «یهودیان حقیقی از صهیونیست‌ها جداس‌ت... آن‌ها ملتی مثل سایر ملت‌ها هستند.»

این تفکیک، راه را بر هرگونه اتهام ضدیت با یهود بست و نشان داد که دشمن واقعی، صهیونیسم غاصب است، نه پیروان یک دین آسمانی. امام(ره) همواره هشدار می‌دادند که اشغال فلسطین، پایان کار صهیونیست‌ها نیست. ایشان با صراحت اعلام کردند:

«هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد. آن‌ها می‌خواهند تمام کشورهای عربی را به سرنوشت فلسطین دچار کنند.»

تجاوزهای مکرر رژیم صهیونیستی به لبنان، سوریه و دیگر کشورها، امروز گواه روشنی بر درستی این پیش‌بینی تاریخی است.

در سال ۱۳۴۷، امام خمینی (ره) فت‌وای تاریخی خود را صادر کردند: «واجب است سفر دو ستم‌س‌ی از وجوه شرعی مانند زکات به مجاهدان فلسطین اختصاص یابد.»

این فت‌وا، نه‌تنها کمک‌های مالی گسترده‌ای را به‌همراه داشت، بلکه هزاران جوان مسلمان را به جبهه‌های مبارزه کشاند. ایشان تأکید می‌کردند: «هیچ امری بر مسلمانان واجب‌تر از جهاد با جان و مال در راه فلسطین نیست.»

امام خمینی (ره) با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان «روز قدس» این مسئله را به یک حرکت جهانی تبدیل کردند. این ابتکار نشان‌دهنده اهمیت مسلمانان و آگاهی‌بخشی به جهانیان درباره ظلم و ستمی است که بر مردم فلسطین روا داشته می‌شود. ایشان معتقد بودند که رژیم صهیونیستی با حمایت قدرت‌های استکباری، به‌ویژه آمریکا، به دنبال نابودی هویت اسلامی و انسانی فلسطین است. «روز قدس، روزی است

انسانی است که هر فرد با وجدان بیدار باید نسبت به آن حساس باشد و برای احقاق حقوق مردم فلسطین تلاش کند.

دیدگاه امام خمینی(ره) درباره فلسطین، فراتر از یک تحلیل سیاسی، یک منظومه فکری انقلابی و مبتنی بر تعالیم اسلام بود. ایشان با تفکیک دقیق یهودیت از صهیونیسم، افشای اهداف توسعه‌طلبانه و استعماری رژیم صهیونیستی، حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی از مقاومت، بهره‌گیری خلاقانه از ظرفیت‌های دینی و بین‌المللی مانند حج و روز قدس، و نفی قاطع هرگونه سازش یا به‌رسمیت‌شناختن موجودیت نامشروع اسرائیل، خط‌مشی روشن و تغییرناپذیری را برای امت اسلامی ترسیم کردند.

این دیدگاه، فلسطین را از یک مسئله منطقه‌ای به یک آرمان جهانی اسلام تبدیل کرد و روحیه جهادی و امید را در دل مبارزان زنده نگه داشت. تأکید ایشان بر وحدت مسلمین، جهاد، و اتکا به قدرت درونی امت، همچنان چراغ راه مبارزه برای آزادی قدس شریف و احقاق حقوق مردم مظلوم فلسطین است. پیروزی‌های مقاومت در سال‌های اخیر، در گ‌رو تداوم همین مسیر و عمل به وصیت الهی – سیاسی امام‌را حل است. در پایان باید گفت دیدگاه امام خمینی (ره) درباره فلسطین، یک راهبرد جامع و انسانی است که بر اتحاد، آگاهی و اقدام عملی تأکید دارد. ایشان با تأکید بر آزادی قدس شریف، ما را به یاور رساندند که فلسطین تنها با مقاومت و همبستگی جهانی آزاد خواهد شد. باشد که با پیروزی از رهنمودهای ایشان، روزی شاهد آزادی کامل فلسطین و بازگشت آرامش به این سرزمین مقدس باشیم.

دکتر علی اکبر ولایتی

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی